

ترجمه فارسی تفسیر طبری

در زمان سلطنت منصور بن نوح سامانی (۳۵۰-۳۷۶) و فرمان او دو کتاب تاریخ و تفسیر محمد بن جریر طبری (متوفی بسال ۳۱۰) بفارسی ترجمه شده که از آثار مهم ادبی قرن چهارم و از قدیمترین یادگارهای نثری فارسی است که امروز بدان دسترس داریم، چه بعد از مقدمه شاهنامه ابو منصور که در سنه ۳۴۶ نوشته شده، این دو کتاب نفیس بفاصله اندک تألیف گشته است.

تاریخ طبری چنانکه در مقدمه آن کتاب مصرح است^۱ بوسیله ابوعلی محمد بن محمد بن عبدالله بلعمی (متوفی بسال ۳۸۶ هـ) وزیر منصور بن نوح پادشاه سابق الذکر ترجمه شده (۳۵۲ هجری) و بعضی ترجمه تفسیر طبری را هم باو نسبت داده اند ولی در مقدمه این کتاب نامی از بلعمی نیست و تصریح شده که علما و فقهای ماوراء النهر بفرمان منصور بن نوح بترجمه آن همت گماشته اند، و اینکه آیا بلعمی در این امر محرک و مشوق بوده و یا مداخله دیگر داشته باید تحقیق و کاوش کرد مگر با پیدا شدن نسخ متعدد و مقابله آنها بایکدیگر و مطالعه دقیق حقیقت مطالب آشکار گردد.

ترجمه تاریخ طبری فعلاً مورد بحث نیست فقط در اینجا اجمالاً اشاره میشود که متن عربی آن دوبار چاپ شده و ترجمه فارسی آن یکبار در لکهنو (هندوستان) بطبع رسیده که از روی همین نسخه فارسی بترکی و فرانسه نیز ترجمه و چاپ کرده اند.^۲

۱ - بیست مقاله تزوینی جزء دوم ص ۱۷

۲ - « بدانکه این تاریخ نامه بزرگست که گرد آورده ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید الطبری رحمه الله علیه که در شهر خراسان ابو صالح منصور بن نوح فرمان داد که دستور خویش ابوعلی را که ابن محمد بن بلعمی را که این نامه تاریخ محمد بن جریر که عربیست پارسی گردان هر چه نیکوتر چنانچه اندروی نقصان نیفتد. پس گوید که چون اندروی نگاه کردم علمه‌ایدم و بسیار حجتها و آیتهای قرآن و اشعار نیکو و امثال خوب و سرگذشتهای پیغمبران و ملوک ماضی و دروی فواید بسیار دیدم پس رنج بردم و جهد بر خود نهادم و پارسی گردانیدم بقوت ایزد عزوجل... »

نقل از مقدمه ترجمه تاریخ طبری - نسخه خطی مدرسه عالی سبسالار

چند سال پیش هم وزارت فرهنگ مقرر داشت که با تصحیح دقیق تجدید طبع شود و این کاریست که باید بشود و تأخیر در آن روا نیست .

وامانفسیر طبری، متن عربی آن یکبار طبع شده (در بولاق مصر درسی جلد) ولی ترجمه فارسی آن نه تنها تا کنون جامه چاپ نیوشیده بلکه دوره تمام و کامل آن که در هفت مجلد است علی الظاهر در دنیا وجود ندارد . آنچه بتحقیق پیوسته جلد اولی از یکدوره این کتاب که در حدود سال ۶۲۴ کتابت شده در کتابخانه پاریس ، و جلد اول دیگر از دوره دیگر مورخ بسال ۸۸۳ در کتابخانه موزه بریتانیا ، و جلد پنجم از دوره دیگر در کتابخانه آستانه رضوی علیه السلام است که نسخه اخیر را خود بنده زیارت کرده ام و چنانکه آقای سعید نفیسی می فرمایند یکدوره تمام دیگر هم در هندوستان وجود دارد .

کاملترین و قدیمترین نسخه این ترجمه نفیس که از هفت مجلد فقط مجلد چهارم را ندارد نسخه ایست که در تهران در کتابخانه سلطنتی است و بفرمان اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی مقرر است چاپ گراوری آن انتشار یابد .

بیاس حفظ نام خیر اندیشان یاد آوری میکنند که اوراق آشفته و درهم دوره این کتاب شریف را مرحوم سید عبدالرحیم خلخالی از بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی در میان توده ای از اوراق مصاحف و کتب مذهبی که معمولاً در مساجد و بقاع متبرکه جمع میشود پیدا کرده و بطهران آورده ، و بعداً اوراق هر جلد جدا گانه منظم و مرتب و بامداد نمره گذاری شده است .

از کلیه اوراق ، پنجاه برگ را که جای آنها معلوم نشده علی حده تجلید و صحافی کرده بودند که اخیراً با دقت و تأمل بسیار محل هر یک معلوم و بجای خود گذاشته شد ؛ هیچیک از این اوراق متفرقه (چنانکه قبلاً تصور کرده بوده اند) متعلق بمجلد چهارم نیست ، و چون از آن مجلد حتی يك ورقه هم بدست نیامده معلوم میشود در زمانهای پیش از میان رفته است . این نکته هم نا گفته نماند که برکهای اول و آخر هر مجلد تذهیب و خاتمی مخصوص دارد که در تفکیک و انقسام مجلدات هفت گانه جای هیچگونه شك و تردید نمی ماند .

در ورق آخر مجلد هفتم که دوره تفسیر بیابان میرسد نخست کاتب و بعد مذهب نسخه خاتمی نوشته اند که غالب کلمات آن متصل بیکدیگر و بدون نقطه و اعجام است بعبارتی که عیناً نقل میشود:

« تمت بحمد الله تعالى و حسن توفيقه و وقع فی سبعة اجزا و فرغ من كتابه جميع القران و تفسيره و القصص العبد الضعيف الراجي المحتاج الى رحمة الله تعالى و غفرانه المقر بذنوبى اسعد بن محمد بن ابى الخير بن احمد بن ابى الخير بن سهلويه اليزدى غفر الله لصاحبه و لكاتبه و لقارئه و لمن نظره فيه و لجميع المؤمنين و المؤمنات و المسلمين و المسلمات برحمتك يا ارحم الراحمين فى ربيع الاول من سنة ست و ستمائة »
 « فرغ من تذهيب هذا المصحف و تنقيشه ضحوة يوم السبت العاشر من شهر الله الاصم رجب من سنة ثمان و ستمائة العبد المذنب الراجي الى رحمة الله و غفرانه احمد بن ابى نصر بن ابى العمر بن عتيق حامداً لله تبارك و تعالى و مصليا على نبيه غفر الله لمن نظره استغفر الله لصاحبه و كاتبه و مذهبه ».

تمام این دوره از تفسیر بخط يك نفر است و در همه مجلدات متن قرآن بقلم جلی و درشت بخط نسخ خوب، و ترجمه کلمات میان سطرها بقلم دودانک بطور اریب نوشته شده که هر صفحه شامل پنج سطر متن و پنج سطر ترجمه است.

شماره سطور صفحائی که فقط تفسیر نوشته شده معمولا و در تمام مجلد اول سیزده سطر می باشد، اما در مجلدات دیگر گاهی خط ریزتر و بر شماره سطور افزوده میشود بی اینکه تناسب مقدار حواشی و متن مکتوب بهم بخورد و تغییر کند. (طول هر صفحه از حاشیه و متن مکتوب ۳۸/۵ در عرض ۳۱ سانتی متر، و طول متن مکتوب تنها ۲۷/۵ در عرض ۲۴ سانتی متر است - در نسخه گراوری که نمونه آن ملاحظه میشود عرض سطور ۱۵ سانتی متر اختیار شده که بهمان نسبت از نسخه اصل کوچکتر میشود.)
 گذشته از این اختلاف ظاهری کتابتی، در مجلد سوم از سوره انفال بعد در

روش ترجمه تحت لفظی متن قرآن هم اندک اختلافی هست باین معنی که در این قسمت سبک عبارت تغییر یافته، ترجمه کلمات مبسوط تر و غالباً متضمن توضیحات و اشاراتی است که اینگونه توضیحات و اشارات در ترجمه مجلد اول سابقه ندارد، همین

تفصیل کاتب را مجبور نموده که جملات فارسی را در زیر کلمات عربی بفشارد و در دوسطر بگنجانند. گاهی هم لغاتی در ترجمه بکار رفته که یدش از آن استعمال نشده چنانکه از مجموع این نکات میتوان دریافت که چون جماعتی از علمای بلاد مختلفه برای این کار انتخاب شده‌اند (بطوریکه در مقدمه کتاب تصریح شده) و ظاهرأ هر چند نفر ترجمه قسمتی از کلام الله را برعهده گرفته‌اند در نتیجه اختلاف ذوق و سلیقه آنها این گونه تفاوت‌ها پیدا شده است.

توجه دقیق باین مطلب اهل فن و تحقیق را موقعی میسر تواند شد که لااقل سه مجلد از این دوره منتشر شود تا محل و مورد آیات را در نظر گیرند و بسنجند معذک برای نمونه ترجمه کلماتی چند همانند را از مجلد اول و سوم در اینجا نقل میکنم:

الله عزیز حکیم: خدای بی همتاست و با حکمت * خدای است بی همتای بکینه کشیدن از دشمنان درست کاری خداوند بشوای دادن دوستان.

والله غفور رحیم: و خدای امر زکارت و بخشاینده * و خدای است زود امرزی آن را کی بکرد و بخشاینده بر آنکس کی توبه کند.

ان الله بما تعلقون بصیر: کی خدای بدانج می کنید بیناست * حقا خدای است بدانج می کنید از نیک و بدبینای و دانای.

او لئک هم الظالمون: ایشانند ایشان ستمکاران * ایشانند ایشان ستمکاران و بی دادگران برتن خویش.

یا ایها الذین آمنوا: ای آنکسها کی کرویدید * ای آنکسها کی کرویدید بخدای و بمحمد.

خلاصه، در ترجمه تحت لفظی متن قرآن شریف (که بنده نصف از آن را بشوق و عقیده تمام با نهایت امانت استنساخ کرده و امیدوارم بانمام رسانم) در مجلد اول و سوم این گونه تفاوت‌ها هست، حالا در متن تفسیر هم این تغییر سبک منعکس شده باشد محتاج بتأمل و دقت بسیار است، و اجمالا عرض میکنم که متن تفسیر بیشتر متضمن نکات و حکایاتی است که بوجه اتم و اکمل در سایر تفاسیر و کتب مذهبی بیان شده اما انشاء این کتاب باندازمای ساده و لطیف و روشن است که هر فارسی خوان

و فارسی زبانی نه تنها از مطالب آن استفاده میکند بلکه از عبارات شیرین و دلکش آن لذت می برد و بسیاری از لغات نثراده و اصیل فارسی را میآموزد .
و مزیت خاصی که این کتاب بر سایر کتب قدیم از نظم و نثر دارد اینست که چون کلمات قرآن مجید ترجمه تحت لفظی شده بخوبی آشکار میشود که در برابر لغات فصیح عربی چه کلمات دقیق یر مغزی در فارسی وجود داشته و دارد که غالباً بدان توجه نمیشود و بجای خود بکار نمی رود .

چنانکه گفته شد جلد اولی از این تفسیر در کتابخانه پاریس است که مقدمه آن را استاد اجل آقای قزوینی در مقدمه مرزبان نامه نقل فرموده اند ، چون از نسخه کتابخانه سلطنتی ظاهراً دوزرق اول که گویا سه صفحه آن مذهب بوده از میان رفته است مقایسه مقدمه این دو نسخه بالتمام بایکدیگر امکان ندارد ، اما از همین مقدار و نمونه ای که بدست است و در ذیل برابر هم قرار میدهیم برمیآید که عبارات این دو نسخه مطابق نیست و ممکن است اینگونه اختلافات نه تنها در این دو نسخه بلکه در هر یک از نسخ نسبت بیکدیگر وجود داشته باشد .

مقدمه نسخه کتابخانه سلطنتی

مقدمه نسخه پاریس

و این کتاب تفسیر بزرگت از روایت محمد بن جریر الطبری رحمه الله علیه ترجمه کرده بزبان پارسی و دری راه راست و این کتاب را بیاروردند از بغداد جهل مصحف بوذ این کتاب نبشته بزبان تازی و باسناد های دراز بوذ و بیاروردند سوی امیر سید مظفر ابوصالح منصور بن نوح بن نصر بن احمد بن اسمعیل رحمه الله علیه اجمعی بس دشغوار آمد بروی خواندن این کتاب و عمارت کردن آن بزبان تازی و جنان خواست کی مرین را ترجمه کند بزبان پارسی بس علماء ماورا النهر را کرد کرد و این ازیشان فتوی کرد کی روا باشد کما این کتاب را بزبان پارسی کرد انیم گفتند روا باشد خواندن و نبستن تفسیر قرآن بیارسی سر آن کسی

را که او تازی نداند از قول خدای عزوجل کی گفت و ما أرسلنا من رسول الا بلسان قومه گفت من هیچ بیفامبری را نفرستادم مگر بزبان قوم او و آن زبانی کایشان دانستند و دیگران بود کابن زبان پارسی از قدیم باز دانستند از روزگار آدم تا روزگار اسمعیل علی همه بیفامبران و ملوکان زمین بیارسی سخن گفتندی و اول کسی کی سخن گفت بزبان تازی اسمعیل بیفامبر بود علی و بیفامبر ما صلی الله علیه از عرب بیرون آمد و این قرآن بزبان عرب بر او فرستادند و اینجا بدین ناحیت زبان پارسی است و ملوکان اینجانب ملوک عجم اند بس بفرمود ملک مظفر ابوصالح تا علمای ماوراءالنهر را کرد آوردند از شهر بخارا چون ۱۰۰۰۰

۰۰۰۰ و هم ازین گونه از شهر سمرقند و از شهر اسپبجاب و فرغانه و از شهری کبوذ بماوراالنهر اندر همه را بیاوردند و همه خطها بدادند بر ترجمه این کتاب کابن راه راستست بس بیرون آمد فرمان امیر سید ملک مظفر بردست کسهای او و نزدیکان او و وزیران او بزبان خاصه او و خادم او ابوالحسن فایق الخاصة سوی این جماعت سردمان و این علما تا ایشان از میان خویش هر کدام داناتر اختیار کردند تا این کتاب را ترجمه کردند و از جمله این مصحف اسنادهای دراز بیفکنند و اقتصار کرد بر متون اخبار ۲۰۰ الخ

[الف - ...] کرد کردند از شهر بخارا چون فقیه ابوبکر بن احمد بن حامد و چون خلیل بن احمد السمجستانی و از شهر بلخ ابوجعفر محمد بن علی از باب المهد و فقیه الحسن بن علی مندوس را و ابوالجهم خالد بن هانی المتفقه را و از شهر سمرقند و از شهر سیبجاب و فرغانه و از هر شهری کی بود در ماوراالنهر و همه خطها بدادند بر ترجمه این کتاب کی این راه راست است بس بفرمود امیر سید ملک مظفر ابوصالح این جماعت علما را تا ایشان از میان خویش هر کدام فاضلت و هالتر اختیار کنند بس ترجمه کردند و این را بیست مجلد ساختند از جمله این چهارده مجلد فرو نهادند هر یکی نیم سبع تا جمله همه تفسیر قرآن باشد از بس وفات بیفامبر علیه السلام تا آن که کی محمد بن جریر ازین جهان بیرون شد و آن اندر سال سیصد و چهل و پنج بود از هجرت بیفامبر علیه السلام ۱ و شش مجلد دیگر فرو نهادند تا این بیست مجلد تمام شد

۱ - اسامی در موقع - استنساخ از روی نسخه اصل برای اختصار حذف شده .
۲ - نقل از مقدمه مرزبان نامه ذیل صفحه ۱۰۰ و ۱۰۱ مطبوعه بریل در لیدن از بلاد هلاند ۱۳۲۷ هجری .

۱ - در حاشیه بخط دیگری نوشته شده : « صد هشتاد و چهار سال است از آن زمان تا باین عصر یکانه در سلطان المشایخ و العارفین شیخ صفی الحق والملة والدين دام برکاته »

و تفسیر قرآن ۱ بیفامبر کی بوذند
از پس او و قصبا امیران مومنان کی بوذند تا بدین
وقت [ا - ب] یاد کردیم اندر هفت مجلد هر مجلدی
یک سبع تخفیف را و بالله التوفیق والمعونه .

باری، عکس برداری نسخه هائی که از این کتاب در دنیا نام و نشان دارد و تطبیق و مقابله آنها با یکدیگر و سنجش دقیق با متن عربی آن کارهائی است که بتدریج و بموقع باید انجام شود، فعلاً سخن در چگونگی و عظمت نسخه منقح حاضر است که در تصحیح آن نیازی به نسخ دیگر نیست، و برای اینکه خصوصیات آن از هر جهت بیشتر نموده شود هر یک از مجلدات را جدا گانه و بترتیب موضوع بحث قرار میدهیم. مطالبی که بیان آن در نظر است از این قرار و از این قبیل خواهد بود:

فهرست مطالب - لغات و اصطلاحات نادره - نمونه ترجمه بعضی کلمات و آیات -
منتخبانی از تفسیر - اشتباهات کتابتی و توضیحات دیگر.

فرزند جان

بسازم یکی بوستان چون بهشت که خندد ز خوشی بار دیبهشت
بتستانی آرایم از خوش سخن که هرگز نگارش نگردد کهن
بیافم یکی دیبه شاهوار ز مینیش رنگ و زدانش نگار
کزو نام را خوب کاری بود زمن در جهان یادگاری بود
ز نیکو سخن نیست پاینده تر نه زو خوشتر و زو فزاینده تر
سخن همچو جان زان نگردد کهن که فرزند جانست نیکو سخن
مقدمه گرشاسبنامه حکیم اسدی